روزنامه صبا
رسانه فرهنگ و هنر
www.sabanewspaper.ir
sabanewspaper_ir

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
صفحه‌آرا: مهدی صالحی طاهری

تهران / میدان دربند / خیابان دربند / کوچه تویسرکانی / پلاک ۶۱
تلفن: ۲-۲۲۷۲۴۱۱۱
چاپ: شهر چاپ خراسان / توزیع: نشر گستر امروز



گفت‌وگوی روزنامه صبا با «نازنین صامت»، به بهانه برگزاری نمایشگاه «لوتوس» در گالری «ژورآ»

بازخوانی میراث تصویری ایران در مواجهه با دغدغه امروز

مهناز کارگران
گفت‌وگو

نمایشگاه انفرادی نقاشی‌خط «نازنین صامت» با عنوان «لوتوس» که به تازگی در گالری «ژورآ» برگزار شده، شامل مجموعه‌ای از آثار نقاشی‌خط با تکنیک اکریلیک روی بوم، چند ادیشن مجسمه‌های آهنی، چند ادیشن زیورآلات نقره و مجموعه‌ای از آثار عکاسی است که در امتداد فضای بصری نقاشی‌خط و مجسمه‌های حاضر در این مجموعه شکل گرفته‌اند. نازنین صامت، متولد ۱۳۶۴، از هنرمندان مطرح حوزه هنرهای تجسمی و نقاشی‌خط و دارای مدرک هنری از دانشگاه تهران، درجه هنری از وزارت فرهنگ، عضو انجمن خوش‌نویسان ایران و عضو موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر است. او پیش از این دو نمایشگاه انفرادی «نوای پرواز» (۱۴۰۳) و نمایشگاه آنلاین «Infinity» در کالیفرنیا (۲۰۲۵) را برگزار کرده. همچنین در نمایشگاه و رویدادهای معتبر هنری داخلی و خارجی متعددی شرکت داشته است. به بهانه برگزاری نمایشگاه «لوتوس»، گپوگفتی با نازنین صامت داشتیم.

○ عنوان «لوتوس» چه نسبتی با دو مفهوم «هو» و «کلمه» دارد؟ آیا این سه مفهوم از ابتدا در قالب یک دستگاه مفهومی واحد شکل گرفته‌اند؟

نقطه آغاز من در شکل‌گیری مجموعه «لوتوس»، بازخوانی و احیای میراث تصویری ایران باستان در زبانی معاصر بود. گل لوتوس در هنر ایران باستان، به‌ویژه در نقوش هخامنشی و تخت‌جمشید، حضوری شاخص دارد. در عین حال، این گل در فرهنگ‌هایی چون مصر، هند و چین نیز جایگاه نمادین مهمی یافته است. هرچند معنا و دلالت آن در هر یک از این سنت‌ها متفاوت است. برای من حضور لوتوس در فرهنگ‌ها و جهان‌های معنایی گوناگون، امکان اندیشیدن به نوعی وحدت ورای تکثر را فراهم می‌کند؛ وحدتی که نه از یکسان‌بودن معناها، بلکه از امکان پیوند میان آن‌ها شکل می‌گیرد. این دریافت شخصی، نقطه اتصال لوتوس با مفهوم «هو» در مجموعه من است؛ مفهومی که به حضوری فراتر از صورت‌های ظاهری اشاره دارد. «کلمه» نیز به نسبت میان معنا و بیان مربوط می‌شود؛ لحظه‌ای که اندیشه به نشانه و صورت درمی‌آید. این سه مفهوم در جریان کار هنری و مواجهه من با تصویر، خط و معنا، به‌تدریج در ارتباط با یکدیگر قرار گرفتند. هدفم بازتولید گذشته نیست، بلکه می‌خواهم میراث تصویری ایران را در مواجهه با دغدغه‌های امروز دوباره بخوانم.

○ چه تفاوتی میان لوتوس، «هو» و «کلمه» قائل هستید؟ آیا این مفاهیم در آثارتان معنایی مستقل دارند یا در ارتباط با یکدیگر خوانده می‌شوند؟

هر کدام از این مفاهیم ظرفیت معنایی و تصویری خاص خود را دارند. لوتوس نقطه عزیمت بصری مجموعه و دریچه‌ای برای مواجهه با میراث تصویری گذشته است. «هو» به قلمرو حضور و امر نامرئی مربوط می‌شود و «کلمه» به لحظه‌ای که معنا در قالب نشانه و بیان ظاهر می‌شود. این مفاهیم را نمی‌توان کاملاً از یکدیگر جدا کرد اما قرار هم نیست در معنایی قطعی ادغام شوند. ارتباط آن‌ها بیش‌تر از جنس گفت‌وگویی است که در آن تصویر، خط و مفهوم یکدیگر را تکمیل می‌کنند، بی‌آن‌که به تفسیری واحد محدود شوند.

○ آیا مخاطب برای درک آثار این مجموعه به دانستن پیش‌زمینه‌های فکری و مفهومی آن نیاز دارد؟

شناخت پیش‌زمینه‌های فکری می‌تواند لایه‌های بیش‌تری از اثر را آشکار کند اما مواجهه با اثر نباید به دانستن اطلاعات قبلی وابسته باشد. اثر هنری پیش از هر توضیحی، از طریق فرم، رنگ، ترکیب‌بندی و کیفیت حضورش با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. ممکن است مخاطبی بدون آگاهی از ارجاعات تاریخی یا مفهومی، ارتباطی عاطفی با اثر برقرار کند و مخاطبی دیگر از مسیر شناخت و تأمل به آن نزدیک شود. هر دو نوع مواجهه معتبرند. توضیح مفهومی قرار نیست معنای نهایی اثر را تعیین کند، تنها می‌تواند راهی برای ورود به لایه‌های دیگر آن باشد.

○ بازخوانی هنر ایران باستان در آثار شما چگونه با زبان معاصر نقاشی‌خط پیوند می‌خورد؟

برای من بازخوانی هنر ایران باستان به معنای تکرار نقش‌ها و فرم‌های تاریخی نیست. مسئله، شناخت ظرفیت‌های بصری و معنایی آن میراث و یافتن امکان‌هایی برای ادامه آن در زمانه ماست. در مجموعه «لوتوس»، خط از جایگاه صرفاً نوشتاری فاصله می‌گیرد و به یکی از عناصر شکل‌دهنده تصویر تبدیل می‌شود. فرم، رنگ، سطح و حرکت خط در کنار یکدیگر معنا می‌سازند. نقاشی‌خط برای من فضایی برای تجربه رابطه میان نوشتار، تصویر و مفهوم است؛ تلاشی برای رسیدن به زبانی شخصی و معاصر، در امتداد یک میراث ریشه‌دار.

○ در بخشی از آثار، حرف «ه» روی چهره قرار می‌گیرد. این هم‌نشینی چه معنایی برای شما دارد؟

چهره یکی از آشکارترین نشانه‌های هویت فردی است. قرارگرفتن حرف «ه» روی چهره، برای من نسبتی میان هویت، حضور و نشانه ایجاد می‌کند. در این آثار، خط فقط عنصری برای خواندن نیست؛ با چهره وارد رابطه می‌شود و گاهی بخشی از آن را می‌پوشاند. این پوشیدگی لزوماً به معنای حذف نیست، بلکه می‌تواند توجه را به لایه‌هایی جلب کند که ورای ظاهر قرار دارند. ترجیح می‌دهم اثر در برابر تفسیرهای مختلف باز بماند و مخاطب درباره نسبت میان آن‌چه می‌بیند و آن‌چه پنهان می‌ماند، تأمل کند.

○ در فعالیت‌های هنری خود از نقاشی‌خط به عکاسی، حجم و طراحی زیورآلات رسیده‌اید. این رسانه‌های متفاوت چه نسبتی با یکدیگر دارند؟

برای من، انتخاب رسانه تابع ایده است. گاهی یک مفهوم از طریق رنگ و خط روی بوم شکل می‌گیرد و گاهی به تصویر عکاسانه یا حضور فیزیکی یک حجم نیاز دارد. در طراحی زیورآلات نیز امکان دیگری برای مواجهه با فرم و معنا ایجاد می‌شود؛ اثری که از فضای نمایشگاه خارج می‌شود و با بدن و زندگی روزمره ارتباط می‌گیرد. آن‌چه این رسانه‌ها را به هم پیوند می‌دهد، دغدغه مشترکم درباره رابطه فرم، نشانه و معناست.

○ حجم و حضور فیزیکی واژه‌ها، به‌ویژه «هو»، چه امکانی ایجاد می‌کند که در نقاشی دوبعدی وجود ندارد؟

در نقاشی، مخاطب با تصویری روی سطح مواجه است اما در حجم، اثر وارد فضای واقعی می‌شود و رابطه مخاطب با آن تغییر می‌کند. نور، سایه و زاویه دید نیز بخشی از تجربه اثر می‌شوند. در تبدیل «هو» به حجم، برایم مهم بود که این واژه از سطح نوشتار فاصله بگیرد و به حضوری فیزیکی در فضا تبدیل شود. در این‌جا واژه فقط حامل معنا نیست؛ شکل، ماده و نحوه حضورش نیز در تجربه مخاطب نقش دارند. این جابه‌جایی از سطح به فضا، امکان دیگری برای مواجهه با مفهومی فراهم می‌کند که به چیزی فراتر از صورت ظاهری اشاره دارد.

○ اگر امروز بخواهید مجموعه «لوتوس» را دوباره شکل دهید، چه چیزی را تغییر می‌دهید؟

نگاه دوباره به یک مجموعه، بخشی از روند رشد هنری است. ممکن است امروز در برخی جزئیات اجرایی، نسبت میان عناصر یا نحوه ارائه آثار تصمیم‌های دیگری بگیرم اما این لزوماً به معنای نادرست‌بودن انتخاب‌های گذشته نیست. هر مجموعه حاصل شرایط و پرسش‌های دوره‌ای مشخص است. «لوتوس» بخشی از مسیر هنری من است که می‌تواند در آثار بعدی ادامه پیدا کند، تغییر کند یا به پرسش‌های تازه‌ای برسد. برای من، مهم‌تر از بازنویسی گذشته، حفظ امکان حرکت و کشف است.

